



رائفی پور با وجود اختلاف‌های بارزی که با جبهه‌پایداری و اصولگرها دارد، اما در یک موضوع با آنها مشترک است: حذف قالیباف! او به دفعات و در سخنرانی‌های مختلف، قالیباف را مورد انتقاد و تخریب قرار داده است. مجلس را زیر سوال برده تا قالیباف را حذف کند

از شیطان‌پرستی تا شفاف‌سازی

او برای ورود به کارزار انتخابات نیز با طرح انتقادات فضا را برای خود مناسب‌سازی کرد و در سال‌های ابتدایی سخنرانی‌های خود که با کلیدواژه شیطان‌پرستی و فراماسونری نوجوانان و جوانان مستعد همراهی با این نوع نگاه‌هایی را به خود جلب کرده بود؛ این بار شفافیت را در دایره واژگان خود پررنگ‌تر کرد. او در برنامه حضور سبزی، درباره قیمت‌گذاری خودروها توضیحاتی ارائه کرد و مجلس را در این موضوع زیر سوال برد: «خودروساز می‌گوید هر خودرویی که تولید می‌کنم ضرر می‌کنم و درست هم می‌گوید، چرا؟ اقتصاد دستوری، مقرون به صرفه نبودن خطوط تولید، بهره‌وری پایین در کشور با وجود انرژی و کارگر ارزان. وقتی خودروساز زبان دارد، از سر و ته ماشینی می‌زند و با قطعه‌سازی می‌بندد که قطعات بنجول به او بدهند و کیفیت خودرو از دست می‌رود و جان مردم به خطر می‌افتد. از طرفی قیمت دستوری می‌دهیم به خودروساز که ضرر می‌کند و خریدار نیز با قیمت بالاتر از قیمت دستوری می‌خرد و این وسط پول اضافه دست دلال می‌رود؛ رسماً دیوانه‌خانه است! خودروساز متضرر می‌شود و در خواست وام می‌کند، وامی که هرگز بازگشت ندارد. وام‌هایی که خودروسازها به بانک پس ندادند به چندده‌هزار میلیارد می‌رسد و بانک مرکزی در نهایت برای جبران، پول چاپ می‌کند و تورم بیشتر می‌شود و مردم

بدبخت‌تر می‌شوند. از طرفی جلوی واردات خودرو را نیز گرفته‌اند. این کشور بهشت دلال‌هاست. این شرایط چه می‌خواهد؟ قانون، برخورد قانونی و شفافیت که هر سه اینها به مجلس باز می‌گردد که دنبال قیر است.» البته که قانون‌مداری رائفی پور، در همان لیست انتخاباتی خود او نیز با شکست روبه‌رو شد. رائفی پور وعده داده بود که اعضای جبهه صبح ایران میثاق انتخاباتی امضا کرده‌اند، قسم خورده‌اند و فیلم پر کرده‌اند. اما ظاهراً چهار چهره شناخته‌شده لیست او (رسایی، نبویان، ثابتی و تقوی پور) در نهایت نه تعهدی دادند و نه ویدئویی از خود پر کردند!

خیز انتخاباتی و تخریب مجلس

او می‌گوید اصلاحات مملکت از مجلس شروع می‌شود و در سخنرانی انتخاباتی‌اش خطاب به مردم، آنها را فاقد قدرت لازم برای پیگیری وعده‌ها را ندارند و او و هم‌فکرانش می‌توانند این کار را به نیابت از مردم انجام دهند: «به شما مردم وعده‌های انتخاباتی زیادی داده می‌شود. هم شما یادتان می‌رود، هم حوصله پیگیری ندارید و اگر هم پیگیری کنید، شما از نظر رسانه‌ای چون ضعیف هستید، بازتابی ندارد. ما که کسی را مجبور نکردیم وعده انتخاباتی بدهد، هر عزیزی وعده خود را مکتوب می‌دهد و ما در اختیار مردم قرار می‌دهیم و هرچند وقت یک‌بار هم می‌رویم سراغ‌شان که قرار بود این کار را بکنید، چی شد؟ مردم بفهمند چی شد و این باعث می‌شود مردم بفهمند و وعده‌های انتخاباتی معقول و شفاف شود.» او استاد پیوند زدن اتفاقات به هم است. در همین سخنرانی در ماجرای انتقال آب به دریاچه ارومیه گفته بود: «چند وقت پیش نامه زدند از خلیج فارس لوله بکشند آب ببرند دریاچه ارومیه، باور کنید فکر کردم شوخیه! گفتم این جعلیه و آمدند مسخره کنند! خب این وهن یک کشور است.» اتفاقی که انتقادات بسیاری از سوی کارشناسان محیط زیست مبنی بر برهم زدن اکوسیستم خلیج فارس و دریاچه ارومیه به همراه داشت. حال آنکه او در جریان احداث پتروشیمی در میانکاله مازندران اینگونه گفته بود: «الان روسیه گفته من برای ایران در شمال کورتان پتروشیمی می‌زنم و عواید فراوانی هم دارد؛ برخی راه افتاده‌اند و حرف از محیط زیست می‌زنند. خب کجا باید پتروشیمی زد؟ بالاخره باید جایی پتروشیمی احداث کرد که آب باشد؛ کنار رودخانه یا دریاچه. توی بیابان نمی‌شود پتروشیمی زد.» دلیل کارشناسان محیط زیست برای احداث پتروشیمی در میانکاله نیز با حفظ تفاوت‌ها، مشابه همان دلیلی است که در انتقاد به انتقال آب از خلیج فارس به ارومیه مطرح می‌شود.

هم‌قسم با اصولگرها برای حذف قالیباف

رائفی پور با وجود اختلاف‌های بارزی که با جبهه‌پایداری و اصولگرها دارد، اما در یک موضوع با آنها مشترک است: حذف قالیباف! او به دفعات و در سخنرانی‌های مختلف، قالیباف را مورد انتقاد و تخریب قرار داده است؛ مجلس را زیر سوال برده تا قالیباف را تخریب کند؛ او در واکنش به صحبت‌های قالیباف که گفته بود اگر کسی ۱۴۰ سکه دریافت کرده، دادستان این موضوع را پیگیری کند، گفته بود: «شخص شما هیچ اعتقادی به شفافیت نداشته و از ترس بنده و رسانه‌ها به آن تن داده‌اید و اصطلاحاً شفافیت را من در پاچه مجلس کرده‌ام که صدالبته به این کار افتخار می‌کنم!» منظور او از اینکه طرح شفافیت را «در پاچه مجلس کرده»، مشخص نیست، اما نخستین بار طرح شفافیت آرای نمایندگان مجلس در سال ۹۶ و توسط نماینده اصلاح‌طلب فراکسیون امید مجلس، محمدجواد فتحی، مطرح شد. غلامرضا نوری قزلبچه، نماینده مجلس نیز بعد از تشدید درگیری رائفی پور و قالیباف در این باره گفته بود، این یک دعوی درون جناحی، درون خانوادگی و تسویه حساب داخلی است و خودشان را هم سریع جمع و جور می‌کنند.

رائفی پور در سخنرانی‌هایش به دفعات به این موضوع اشاره دارد که «ما مدیریت کردیم»، «پاسخگوییشان می‌کنیم»، «این بار فرق می‌کند» و از قدرتی حرف می‌زند که می‌خواهد سایه‌اش را روی کشور پهن کند و کشور را از شر فراماسونرها و نیروهای اهریمنی نجات دهد. او پس از سرلیستی قالیباف در انتخابات اخیر ضمن انتقاد از کسانی که قالیباف را پدرخوانده کرده بودند و ۲۰ سال اعتبار و آبروی نظام را خرج او کردند، گفته بود: «من به دنبال تشکیل جبهه سیاسی نبودم. ما در انتخابات گذشته لیست نداده و کنار ایستادیم، دیدیم که نمی‌توان نمایندگان را مدیریت کرد. این دفعه لیست می‌دهیم که بتوانیم مدیریت‌شان کنیم؛ البته مدیریت به معنی بد نیست، یعنی پاسخگوییشان کنیم.»

رائفی پور از قدرت جبهه‌های که ایجاد کرده به خوبی آگاه است و از قدرت قالیباف هم همینطور! شاید از همین روست که در کنار تخریب، در ادبیات خود تحقیر امثال قالیباف را نیز جای می‌دهد تا شاید اندکی آرام شود! او در پاسخ به این سوال که از لیست‌های دیگر نیز در لیست انتخاباتی او می‌توانند باشند یا خیر؟ گفته بود: «برای من گفتن مهم است و اگر در ۵ روز گذشته آقای

قالیباف درخواست می‌کرد در لیست ما قرار می‌گرفت. البته می‌گویم ۵ روز گذشته، برای قصه‌ای است که پیش آمده است. من پاسخی از ایشان، شورای ائتلاف، جبهه امنا و هر جای دیگر نشنیدیم. یک فردی که می‌گوید من حاضر به پاسخگویی به مردم هستم، قانون کشور را قبول دارم، ضرورت‌ها را می‌فهمم، نقشه کلان پیشرفت کشور در ذهنم است، چرا عمل نمی‌کند؟»

فرصت فضای مجازی

او همچنین از قدرت فضای مجازی نیز به خوبی آگاه است و یکی از بیشترین استفاده‌های تبلیغاتی در این مدت را جبهه صبح ایران دانسته است. براساس بررسی‌ای که سایت دیده‌بان انجام داده است، نام یا هشتگ لیست جبهه صبح ایران با اختلاف از هر فهرست دیگری بیشتر در توئیتر به کار رفته و حامیان این لیست سرمایه‌گذاری زیادی در فضای توئیتر داشته‌اند؛ نکته جالب توجه آن است که در جست‌وجوهای گوگل نیز این لیست بیشترین جست‌وجو را داشته است.

فقر فضای نخبگانی و ظهور رائفی پورها

آنچه در فضای سیاسی کشور موجب بروز چنین رفتارهای سیاسی و چنین افرادی می‌شود که با ابزار تهدید و تخریب و تحقیر به دنبال رسیدن به جایگاه‌های بالای سیاست‌ورزی هستند، بیش از هر چیز احتمالاً ضعف فضای نخبگانی است اما این پارامتر تا چه میزان تاثیر داشته است؟ و منجر به ظهور چنین شخصیت‌های سیاسی در کشور می‌شود؟ این مسئله موضوع مطالعات پژوهشی متعددی در کشور است که بر روی فضای سیاسی، فضای نخبگانی موجود در کشور و نقش نخبگان سیاسی در تهیه مدل مطلوب سیاست‌ورزی انجام شده است؛ مطالعاتی که به دنبال یافتن پاسخی برای علت توسعه‌نیافتگی سیاسی کشور هستند و به اتفاق در نتایج مشترک هستند که فضای نخبگانی سیاسی در کشور از شرایط مطلوبی برخوردار نیست؛ موضوعی که منجر به بروز نابسامانی سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، عدم توسعه سیاسی و فقر نخبگان سیاسی در کشور شده است. محمد عابدی اردکانی در یک مطالعه پژوهشی به موضوع توسعه‌نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در کشور پرداخته است. او معتقد است که توسعه‌نیافتگی یا توسعه‌نیافتگی سیاسی رابطه نزدیکی با ایدئولوژی و نگرش نخبگان سیاسی دارد؛ به گونه‌ای که تغییر در آنها بر روند توسعه سیاسی مؤثر است. در این پژوهش شاخص‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی در دولت‌های هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد بررسی شده است و نتایج آن نشان داده که «فرهنگ سیاسی «تابعیتی» و «منزاعه‌گرا» بر زندگی سیاسی نخبگان حاکم بوده و اگر اجماع نخبگان و تمسک آنها به اصل مشورت در تصمیم‌گیری وجود داشت و آنها به صورت یکجانبه و بدون احترام به نظر دیگران در پی عملی کردن تصمیمات خودشان نبودند و یا به جای رقابت منفی و نگاه تخریبی و ابزارگونه به یکدیگر، براساس اصل تساهل و اعتماد متقابل به نظرات یکدیگر توجه می‌کردند و حاضر به چشم‌پوشی از منابع شخصی و ترجیح دادن مصالح و منابع دینی و ملی بر آنها بودند، آنگاه ایران هرگز توسعه‌نیافتگی سیاسی را تجربه نمی‌کرد.» موضوعی که در تمام این سال‌ها و در دوران ریاست جمهوری روحانی و رئیسی نیز در کشور ما حاکم بوده است و علاوه بر ادامه تجربه توسعه‌نیافتگی فضای نخبگانی سیاسی در کشور، این موضوع منجر به فضا دادن به افراد کم‌تجربه، غیرمتخصص و منازعه‌گر در کشور شده است. رفتارهای سیاسی که بر ثبات سیاسی کشور بسیار اثرگذار هستند، چه‌بسا که از دل همین رفتارهاست که در آستانه هر انتخاباتی، گروهی و عده‌ای اعلام موجودیت سیاسی می‌کنند و در پی دنبال کردن یک هدف سیاسی شخصی‌سازی‌شده هستند. داریوش پیری و نوشین میرزایی در پژوهشی به ریخت‌شناسی الگوی رفتار نخبگان سیاسی در ایران بعد از انقلاب پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نیز نشان داد در بسیاری از دولت‌های ملی گذشته و حال، ویژگی متفرق بودن وجود دارد که منجر به بی‌ثباتی و عدم توسعه سیاسی در ایران شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که افزایش اتهامات و روندهای قانون‌ستیز باعث شکل‌گیری موجی از تفرقه و شکاف سیاسی و اجتماعی میان نخبگان با همدیگر از یک سو و نخبگان و مردم از سوی دیگر گردید که کامکان گریبانگیر نظام جمهوری اسلامی است یا در مقاله دیگری که به بررسی فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته، نتایج نشان داده است که «عدم تمایل نخبگان سیاسی به گسترش مشارکت و رقابت در سیاست، که بیانگر نوعی فرهنگ سیاسی تابعیتی و غیرمشارکتی است، یکی از عوامل اصلی و جدی توسعه‌نیافتگی و فقدان کارایی شکل‌های مدنی بوده است.» تشکیل‌های مدنی که در لویای ناکارآمدی و توسعه‌نیافتگی و عدم مطالبه‌گری آنها بر موارد ذکرشده در بالا مبنی بر میدان دادن به چهره‌های سیاسی کم‌تجربه در فضای نخبگانی سیاسی اثرگذار بوده است.

اصولگرایان



صف‌های طولانی عامل کاهش مشارکت بود

محمداسماعیل کوثری، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره میزان مشارکت در انتخابات یازدهم اسفند گفت: «در تهران مردم خیلی بیشتر از این می‌توانستند پای صندوق حاضر شوند اما وقتی مشاهده می‌کنند که صف مردم پای صندوق‌های رأی طولانی است، می‌گویند بعد از ظهر رأی بدهیم و باز مجدداً مشاهده می‌کنند که صف‌ها کماکان طولانی است و می‌گویند شب رأی بدهیم. دلیل طولانی شدن صف‌ها در تهران این است که شرکت‌کننده باید نام ۴۶ نفر را روی برگه رأی بنویسد، در نتیجه وقت گرفته می‌شود.» او ادامه داد: «اما با این حال مردم آمدند و کاری کردند که دشمن را ناامید کردند و ضربه مهلکی بر پیکر آن زدند و این پیروزی برای ملت بزرگ ایران و کشور بود. در حال حاضر رفتارها نباید به‌صورتی باشد که بگویند اینها برای قدرت و جاه‌طلبی خودشان این اقدامات را انجام می‌دهند.»



آن هشتگ باز خورد تصمیمات ماست

محمدحسن آصفری، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با رابوداد ۲۴ درباره واکنش‌ها در فضای مجازی به ماجرای درگیری در درمانگاه شهر قم، گفت: «اینکه شاهد راه افتادن هشتگ‌های «سلیطه» و یا «من سلیطه‌ام» هستیم، باز خورد همان تصمیمات نادرست ماست که به آن اشاره کردم. وقتی صداوسیما و سایر رسانه‌ها، موضوعاتی را پررنگ می‌کنند که مانع خاصی را برای انقلاب ما که انقلابی مستحکم است، ایجاد نکرده، وضع این می‌شود. روی چه حسابی به فردی که هنوز ابعاد ماجرایش روشن نشده، کلمه سلیطه را نسبت می‌دهند. کسی حق ندارد به فرد دیگری توہین کند یا مثلاً او را ضدانقلاب قلمداد کند. خیلی از افراد بدحساب در مملکت، از من هم انقلابی تر هستند، ولی شاید به خاطر موضع‌گیری‌های بد امثال من، روی به بدحجابی و بی‌حجابی آوردند.» او در ادامه افزود: «تنباید رفتارهایمان دایره انقلابی بودن را تنگ کنیم. شاید خیلی از افرادی که امروز بی‌حجاب و قلمداد می‌شوند، اگر در کشور جنگ شود، خودشان و خانواده‌هایشان برای دفاع از کشور وارد عرصه شوند. ما حق نداریم بگویم «احجاب» انقلابی و «بی‌حجاب» ضدانقلاب است.»



موافقت اکثریت مردم با آمران به معروف

حمیدرضا ترقی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه در گفت‌وگو با منیبان در رابطه با حادثه اخیر در قم و چارچوب برخورد آمران به معروف در موضوع حجاب گفت: «در آستانه پایان تصویب قانون حجاب و عفاف در مجلس و شورای نگهبان، در حال حاضر افرادی سعی دارند با طرح چنین حواشی از تصویب این قانون جلوگیری کنند و سعی دارند با جوسازی‌های منفی فضا را برای تصویب قانون حجاب دچار مشکل کنند.» او ادامه داد: «افرادی که چنین ویدئوهایی نظیر موضوعی که در قم رخ داد را منتشر می‌کنند هدفی به جز اینکه از جامعه‌سازی اسلامی جلوگیری کنند، ندارند. حدود ۷۵ درصد از جامعه ایران به عفاف و حجاب پایبند هستند و اکثریت مردم کاملاً موافق برخورد آمران به معروف هستند.»